

شرح و تفسیر مواد قانون

مجازات اسلامی

■ محمدعلی اخوت (قاضی تجدید نظر استان تهران)

(قسمت نهم)

و احتساب ایام بازداشت گذشته،
ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی»

موضوع احتساب ایام بازداشت گذشته که امری مربوط به اجرای احکام جزایی و درس آیین دادرسی کیفری است قبلاً در ماده ۱۷ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱ مطرح شده بود. به موجب ماده ۱۷ قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲: «مدت کلیه حبسها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد، بازداشت مذکور بجای حبس یا جزای نقدی مندرج در حکم حساب می شود.»

با توجه به این ماده بازداشت قبلی چه از نظر محکومیت به حبس و چه از نظر محکومیت به جزای نقدی محاسبه می گردید. با این توضیح که در مورد جزای نقدی، به ازای هر روز پانصد ریال از میزان جزای نقدی کسر می شد به عبارت دیگر اگر محکوم علیه قادر به پرداخت جزای نقدی مندرج در حکم نبود، از میزان جزای

نقدی او به میزان حبسی که متحمل می شد کسر می گردید.

در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۶۱ به موجب ماده ۱۲ آمده بود: «مدت کلیه حبسها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. لیکن اگر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی می تواند موجب تخفیف در حکم تعزیری باشد»

تفاوت دو ماده فوق این بود که: اولاً: احتساب ایام بازداشت گذشته در قانون ۱۳۶۱ تخفیف در مجازات شناخته شده و اختیاری بود.

ثانیاً: محاسبه ایام بازداشت قبلی به جای اینکه در مقام اجرای حکم و در نتیجه بعد از صدور حکم به عمل آید قبل از صدور حکم به عمل می آمد.

ثالثاً: محکومیت به جزای نقدی در ماده ذکر نشده و نسبت به آن تعیین تکلیف به عمل نیامده بود. وجود اختیاری برای دادگاه، در احتساب ایام بازداشت گذشته به عنوان تخفیف مجازات دارای این نقیصه

بود که حقوق محکوم علیه نادیده گرفته می شد، برای مثال شخصی مستنداً به ماده ۶۷۷ قانون مجازات اسلامی فعلی و یا ماده ۱۲۶ قانون تعزیرات سابق مصوب ۱۳۶۲ به اتهام تخریب مال دیگری به ششماه حسب محکوم می گردید، درحالی که از زمان دستگیری تا زمان قطعیت و لازم الاجرا شدن دادنامه سه ماه در حبس به سر برده بود. با توجه به ماده فوق به جای ششماه، سه ماه در زندان بسر میبرد. در تبصره ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ و تبصره ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در بخش کیفری مصوب ۱۳۷۸ این نقیصه برطرف شده اما راجع به جزای نقدی اشکال گفته شده باقی مانده و نسبت به آن تعیین تکلیف نگردیده است.

به موجب ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی:

«مدت کلیه حبسها از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد.»

تبصره: چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد،

دادگاه پس از تعیین تعزیر از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می‌کند.

در مورد جزای نقدی فرض کنیم شخصی به اتهام جعل سند عادی مستنداً به ماده ۵۳۶ قانون مجازات اسلامی به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده است و قبل از صدور حکم به لحاظ عدم معرفی کفیل یا عدم ابلاغ وثیقه به مدت دو ماه در بازداشت به سر برده است قانون فوق در مورد احتساب مدت بازداشت او به جای جزای نقدی ساکت است. در حالی که قانونگذار سال ۱۳۵۲ با عبارت «حبس یا جزای نقدی» به این نکته توجه کرده بود. قانونگذار جمهوری اسلامی، با تصویب ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب و تبصره آن، صرفاً بدون اینکه مانند قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ تنظیم شده باشد موضوع احتساب ایام بازداشت گذشته را مورد تأکید قرار داده است، به موجب ماده مرقوم و تبصره آن:

«مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی لازم‌الاجرا حبس شود.»

تبصره: چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم لازم‌الاجرا به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسر خواهد شد.

ملاحظه می‌شود در مورد جزای نقدی و احتساب ایام حبس به جای آن در قانون سال ۱۳۷۸ تعیین تکلیف نشده است، اما بهرغم عدم تعیین تکلیف در قوانین فوق، رویه دادگاههای کیفری براین قرار داشت

که مطابق ماده یک قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۵۱/۴/۱۱ در قبال هر روز بازداشت بانصد ریال از جزای نقدی کسر می‌گردند، این رویه ادامه داشت تا اینکه قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی در تاریخ ۷۷/۸/۱۰ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، به موجب ماده یک این قانون «هر کس

امر محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت نشده باشد، بازداشت مذکور به جای حبس یا جزای نقدی مندرج در حکم حساب می‌شود.

به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادر کننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال با کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد» و با تصویب این ماده مشکل قانونی احتساب یا عدم احتساب جزای نقدی برطرف گردید. بالا بردن جزای نقدی از ۵۰۰ ریال به ازای هر روز به پنجاه هزار ریال در روز واقع یکصد برابر کردن آن موجب می‌شود که دادگاهها در تعیین جزای نقدی به مبالغ بیشتری حکم صادر کنند.

به موجب قسمت دیگر این ماده:

«در صورتی که محکومیت مذکور توأم با حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می‌شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و

در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز کند.

بنابراین اگر کسی به خاطر ارتکاب جرمی قانوناً به نود میلیون ریال جزای نقدی محکوم شود و مالی نداشته باشد که جزای نقدی را به پردازد. ممکن است مدت پنجسال به لحاظ عدم پرداخت جزای نقدی مندرج در حکم در بازداشت بماند و این در صورتی است که محکوم علیه مفسر شناخته نشود، زیرا طبق ماده ۳ قانون مرقوم:

«هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس) به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضع مالی وی حکم بر تسطیح محکوم علیه را صادر خواهد کرد.»

به موجب تبصره ماده یک قانون مرقوم، مبلغ احتسابی پنجاه هزار ریال در قبال هر روز بازداشت هر سه سال یکبار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رئیس قوه قضائیه تعدیل و در مورد احکامی که در آن سال صادر می‌شود لازم‌الاجرا خواهد بود.

در ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب به اصطلاح حکم قطعی قابل اجرا برمی‌خوریم.

ماده ۲۷۸ همین قانون احکام لازم‌الاجرا را چهار نوع اعلام کرده است که عبارتند از:

۱- حکم قطعی دادگاه بدوی، مانند حکم به محکومیت متهم به ترک انفاق موضوع ماده ۶۴۲ قانون مجازات اسلامی

که میزان مجازات را سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس تعیین کرده است.

۲- حکم دادگاه بدوی که در مهلت مقرر در قانون نسبت به آن اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نشده باشد و یا اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به آن رد شده باشد.

مدت اعتراض به رأی غیابی وفق ماده ۲۱۷ قانون فوق ده روز و مهلت تجدیدنظر خواهی وفق ماده ۲۴۶ برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ایلان یا انقضای مدت و خواهی است.

۳- حکم دادگاه بدوی که مورد تجدیدنظر مرجع تجدیدنظر قرار گرفته باشد.

۴- حکمی که دادگاه تجدیدنظر پس از نقض رأی بدوی صادر می نماید.

هر چند قانونگذار در مواد قانونی اصطلاح حکم قطعی و حکم قطعی لازم الاجرا را به کرات آورده است، لیکن این اصطلاحات مطلق نیست زیرا

باتوجه به ماده ۲۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب و ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب که مقرر داشته است: آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد زیر نقض می گردد.

الف - قاضی صادر کننده رأی متوجه اشتباه خود شود.

ب - قاضی دیگری پی به اشتباه رأی صادره ببرد به نحوی که اگر به قاضی صادر کننده رأی تذکر دهد متنبه شود.

ج - قاضی صادر کننده رأی صلاحیت رسیدگی نداشته باشد.

اصطلاحات مزبور مفهوم واقعی خود

را از دست داده است. بنابراین هر رأیی و در هر زمان که صادر شود، هر چند قطعی و لازم الاجرا ممکن است مشمول ماده فوق که نه دارای محدودیت زمانی و نه محدودیت کیفی است گردد، به نظر می رسد ماده فوق در تناقض آشکار با مواد ۲۳۲، ۲۷۸ قانون مرقوم و هر ماده قانونی دیگری است که در آن به رأی قطعی

لازم الاجرا اشاره شده است. ماده مزبور از این حیث قابل انتقاد است که ثبات و قاطعیت احکام را از بین برده و از راه آن می توان کلیه احکام جزایی را مورد خدشه و تردید قرار داد.

فردی کردن مجازاتها را هشدارها در قانون مجازات اسلامی

گاستون استفانی G-Stefani و ژرژ لئو لئو Leuasseure استادان حقوق دانشگاه

پاریس جرم را چنین تعریف کرده اند: «جرم عملی است که به خاطر اعمال

که در نظم جامعه ایجاد می کند، قیوتاً مجازات می شود»

و این تعریف حقوقدانان فوق ابتدا از نظر مفهوم مجرد حقوقی "Abstraction"

"Juridique" و سپس از نظر واقعیت انسانی جرم "Realite Humaine" و

بالاخره از نظر واقعیت اجتماعی "Realite Social"

جرم را مورد بررسی قرار داده اند. به نظر ایشان، پدیده مجرمانه از دیدی واقع گرا عمل انسان است. «واقعیت انسانی»

که بر ضد جامعه «واقعیت اجتماعی» به وقوع می پیوندد. (۱) با این مقدمه متوجه می شویم که جرم را فرد در میان جامعه ای

که در آن زندگی می کند مرتکب می شود و برخلاف گذشته هدف مجازات می بایست

کمک به بزهکار باشد تا دوباره به جامعه سالم باز گردد و نقش مفیدی در آن ایفاء نماید. به فرض اعتقاد به تنبیه مرتکب که عقیده ای مطرود و مربوط به گذشته است، مجازات باید به نحوی باشد که مؤثر در تنبیه مرتکب و تنبیه دیگران واقع شود به طوری که شخص مجرم، دوباره عمل مجرمانه را انجام ندهد و دیگران نیز با مشاهده مجازات او از انجام اعمال مجرمانه پرهیز کنند، بنابراین برای اینکه بدانیم چه مجازاتی، چه از جنبه تنبیهی و چه از جنبه اصلاح فرد و جامعه مؤثر است باید فرجه را شناسیم (واقعیت انسانی) و

آنگاه جامعه ای را که در آن زندگی می کند مورد بررسی قرار دهیم. در شناخت فرد مجرم باید بدانیم او کیست، چه مشخصات جسمی، باطنی یا فیزیکی دارد. به چه بیماریهایی مبتلا شده یا از چه بیماری رنج می برد. از نظر روانی چه وضعی دارد.

باید بدانیم کجا و در چه خانواده ای به دنیا آمده و تربیت شده است، محیط مدرسه او چگونه بوده و در محیط های

انتخابی مانند انجمن یا حزب، با چه اشخاصی حشر و نشر داشته و بالاخره در چه جامعه ای زندگی میکند، وضع اقتصادی و آموزشی در آن جامعه چگونه است.

با چنین شناختی از مجرم، می توانیم مجازات مناسب را برای او در نظر بگیریم

در غیر این صورت به قول استفانی مجرم مانند آدمک بی جانی است که قاضی کیفری شماره ماده قانونی اجرا را به پشت او نصب می کند و پس از آن اداره زندان

شماره دیگری را به او اختصاص می دهد. (۲)

به همین خاطر است که پس از تحولی

شرح و تفسیر مواد قانون مجازات...

سال سوم، شماره هجدهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۸

ماهنامه دادرسی

۲۷

سال سوم، شماره هجدهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۸

طولانی به دارازای سراسر تاریخ حقوق، اندیشمندان معتقد به فردی کردن مجازاتها^(۳) گردیده‌اند. فردی کردن مجازات عبارت از تطبیق مجازات بر عمل ارتكابی با توجه به وضع بدنی، روانی، خانوادگی و اجتماعی بزه‌کار است به‌صورتی که پس از اجرای مجازات او را برای باز اجتماعی شدن و قبول مسئولیت اجتماعی و در نتیجه ادامه زندگی مفید آماده سازد. بنابراین برخلاف گذشته، هدف مجازات، گذشته‌گرایی نیست. هدف، طرد مرتکب از جامعه نیست، هدف انتقام از فرد نیست، بلکه، هدف مجازات آینده‌نگری است. همانطور که قبلاً گفته شد،^(۴) مجازاتهای اسلامی به حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده تقسیم میشوند. در فردی کردن مجازاتها سه

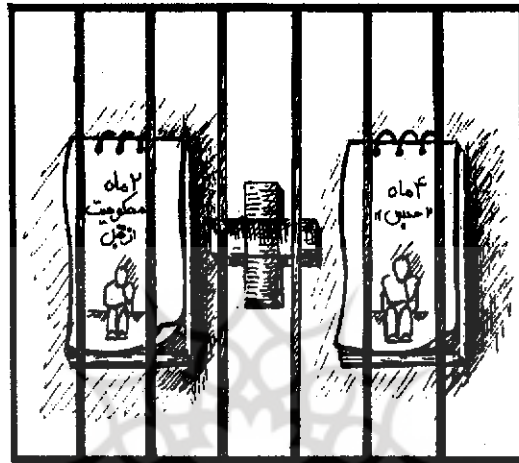
دیدگاه مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- فردی کردن قانونی: قانونگذار با تعیین حداقل و اکثر در میان مجازات هر جرم با توجه به اهمیت آن جرم در اختلال در نظم اجتماعی، قانوناً به فردی کردن مجازاتها می‌پردازد. مشخص کردن چنین مجازاتسی جنبه بیرونی و عینی دارد، مجازات کلی است و بر همه افرادی که آن جرم را مرتکب می‌شوند قابل اجرا و اعمال است. در فردی کردن قانونی به فرد خاص توجه نمی‌شود، بلکه این قانونگذار است که مجازات را با تعیین حداقل و اکثر فردی می‌سازد. در واقع زمینه فردی کردن مجازاتها را فراهم می‌سازد.

۲- فردی کردن قضائی مجازات:

زمانی دادگاه با استفاده از اختیاراتی که

قانوناً در اختیار او قرار داده شده است مانند تخفیف مجازات با استفاده از کیفیات مخففه، تشدید مجازات با استفاده از کیفیات مشدده (مانند تشدید مجازات در تعدد و تکرار جرم) تعلیق اجرای مجازات عفو عمومی و غیر آن مبادرت به تعیین مجازات برای بزه‌کار می‌کند و در این راه به شخصیت مرتکب توجه فراوان می‌شود. به همین خاطر است که در قانون فرانسه،



طبق ماده 16-D قانون آئین دادرسی کیفری بازپرس مکلف به تهیه پرونده شخصیت برای بزه‌کار است.

۳- فردی کردن اجرائی مجازات:

این نوع مربوط به بعد از صدور حکم و زمان اجرای حکم است مثل استفاده از مقررات آزادی مشروط یا تخفیف مجازات در زمان اجرای حکم.^(۵)

پرونده شخصیت شامل بررسی، زیستی، روانی و اجتماعی شخصیت متهم با توجه به زندگی گذشته و حال و با توجه به وضع مالی و خانوادگی اوست که تشکیل آن به موجب بند ۶ ماده ۸۱ قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه در امور جنایی اجباری است، آزمایشات لازم از متهم، زیر نظر قضائی، به وسیله پزشک،

روانپزشک و جامعه شناس به عمل می‌آید.^(۶)

در حقوق ایران به پیروی از فقه اسلامی فردی کردن تقنینی و قضائی مجازات، بیشتر در نظام تعزیرات تبلور یافته است. همانطوریکه قبلاً اشاره کردیم^(۷)، تعزیر نوعی مصلحت‌گرایی قضائی است و در تعریف تعزیر از دید فقهای امامیه گفته شد:

«هرکس فعل حرامی را مرتکب شود یا عالماً عامداً واجب الهی را ترک کند حاکم او را به نحوی که مصلحت می‌بیند تعزیر می‌کند.»

اما قانونگذار جمهوری اسلامی مصلحت‌اندیشی قضائی فوق را به‌صورت مصلحت‌اندیشی قانونی یا ضروری کردن تقنینی مجازات در قانون تعزیرات مورد توجه قرار داده است.

با بررسی قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ملاحظه می‌شود فردی کردن مجازاتها به صورتهای زیر متجلی شده است.

الف - تعیین مجازات بین حداقل و اکثر: به موجب ماده ۶۷۱ قانون مجازات اسلامی «مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است»

ب - تعیین دو مجازات برای یک عمل مجرمانه، به موجب ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی: هرکس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود.

ج - تعیین مجازات حبس، شلاق، جزای نقدی توأماً با یک یا دو مورد از آنها.

به موجب ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی «هرکس مشروبات الکلی بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد به سه ماه تا یکسال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود.

د- رفع تجاوز و مجازات حبس: به موجب ماده ۶۹۲ قانون مجازات اسلامی: هرکس ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. ه- تعیین مجازات تخییری شلاق یا جزای نقدی: به موجب ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی توهین به افراد مستلزم ۷۴ ضربه شلاق و یا تا یک میلیون ریال جزای نقدی است.

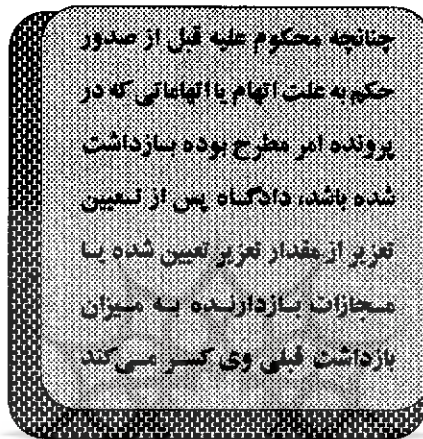
و- جمع مجازات اصلی و تکمیلی، به موجب قسمت اخیر ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، اختلاس تا مبلغ پنجاه هزار ریال مستلزم مجازات شش ماه تا سه سال حبس، تا سه سال انفصال موقت، در مال مورد اختلاس و جزای نقدی معادل دو برابر مال مورد اختلاس می‌باشد، که مجازات انفصال موقت مجازات تکمیلی است که با مجازات اصلی جمع شده است.

ز- جمع مجازات تعزیری حبس و دیه: به موجب ماده ۷۱۴ قانون مجازات اسلامی قتل غیر عمدی بر اثر بی احتیاطی در امر رانندگی وسیله نقلیه مستلزم حبس از شش ماه تا سه سال و پرداخت دیه در صورت مطالبه اولیای دم است.

ح - ضبط اشیاء و نقود به عنوان اقدام تأمینی و بازدارنده :

به موجب ماده ۷۰۹ قانون مجازات اسلامی، قانونگذار پس از تعیین مجازات قماربازی، خرید و فروش، حمل، نگهداری، ساخت آلات و وسایل قمار، مجازات تکمیلی ضبط و معدوم کردن اسباب و نقود متعلق به قمار را مقرر داشته است که:

«تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یا به عنوان جریمه ضبط می‌شود.»



ط- قانونگذار نه تنها به فردی کردن مجازاتها توجه داشته است، بلکه حتی در مقام تحقیقات مقدماتی و اخذ تأمین از متهم نیز به این امر توجه نموده است. به موجب ماده ۱۳۴ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد.»

التفات قانونگذار به «سابقه متهم، وضعیت مزاج، سن، حیثیت او» نشانگر توجه به فردی کردن، حتی در زمینه اخذ تأمین است.

ی - تعیین مجازات تعزیری و بستن

محل فحشاء، به موجب ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی: «افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر محل مربوطه به طور موقت بانظر دادگاه بسته خواهد شد.» الف: کسی که مرکز فساد یا فحشا دایر یا اداره کند.

در بررسی راهکارهای فردی کردن مجازاتها در نظام تعزیرات با توجه به قانون مجازات اسلامی علاوه بر ابزاری که قانونگذار به نحو مذکور در فوق و مواردی که در مبحث مجازاتهای بازدارنده با عنایت به مواد ۱۷ و ۱۹ قانون مجازات اسلامی بیان گردید^(۸) در باقیمانده از ۶۳ ماده قانون مجازات اسلامی که مورد بحث در این سلسله مقالات است، راههای دیگر فردی کردن مجازاتها به طور کلی پیش بینی شده است که در ده گفتار مختصراً بررسی خواهد شد و همانطور که قبلاً اشاره شد، تقسیم بندی مباحث به گفتارهای ده گانه براساس ترتیب مواد قانون مجازات اسلامی است که تا ماده ۲۱ بررسی شده و تفسیر مختصر تعبیه مواد موضوع گفتارهای مزبور خواهد بود.

(ادامه دارد...)

پی نوشتها:

1- Droit penal general. p.4.15 .paris Dalloz 1967

2- Ibid p.13

3- Indiridualisation des peines

۴- ر.ک. قسمت ششم سلسله مقالات - مجله دادرسی، شماره ۱۵

5- soyer:Droit penal general.p.138-139

6- Ibid.p.139

۷- ر.ک. به قسمت ششم این مقالات - مجله دادرسی، شماره ۱۵

۸- ر.ک. قسمت هشتم مقالات، مجله دادرسی شماره ۱۷.